



می خواهم فانوس دریایی باشم
شب‌ها، در باد
برای ماهی‌ها،
برای همه‌ی قایق‌ها.
اما خودم
کشتی طوفان زده‌ام!

ولفگانگ بورشرت

از مجموعه‌ی شعر «فانوس، شب و ستاره‌ها»

گاهشمار مختصر زندگی و آثار ولفگانگ بورشرت (۱۹۲۱-۱۹۴۷)

۱۹۲۱

بیستم ماه مه، ولفگانگ بورشرت در هامبورگ متولد شد. پدرش آموزگار و مادرش نویسنده‌ی داستان‌های محلی بود.

۱۹۳۶

نخستین شعرهایش را سرود.

۱۹۳۹

دوران دبیرستان را به پایان رساند و به خواست پدر و مادرش دوره‌ی آموزش کتابداری را شروع کرد، اما همزمان با آن، نزد یک کارگردان سرشناس هامبورگی درس هنرپیشگی می‌گرفت. اولین شعرهایش در نشریه‌ی «هامبورگر آنتسایگر» منتشر شدند.

۱۹۴۱

مارس: به عنوان هنرپیشه در تئاتر دولتی لونه بورگ (در نزدیکی هامبورگ) مشغول به کار شد. خودش این دوران کوتاه را بهترین مرحله‌ی عمرش نامیده است. ژوئن: به جبهه‌ی جنگ فراخوانده شد.

۱۹۴۲/۴۳

پس از آموزش کوتاهی، بلافاصله همراه با یک واحد تانک به جبهه فرستاده شد. آنجا همزمان به دیفتری مبتلا شد. به «آسیب رساندن عمدی به خود» متهم شد، اما با وجود تبرئه شدن، از زندان آزاد نشد و بار دیگر به اتهام «اظهارات بدبینانه» در نامه‌هایش، محاکمه و به چندین ماه زندان محکوم گردید. نوامبر: با تعلیق محکومیت به جبهه شرق (روسیه) اعزام شد. دسامبر: به گمان ابتلای به تب زرد و تیفوئید، در یک بیمارستان صحرایی بستری شد و اوایل ۱۹۴۳ از خدمت در جبهه معاف شد.

۱۹۴۳

بورشرت در یک تئاتر جبهه به عنوان هنرپیشه مشغول به کار شد. به خاطر مسخره کردن یوزف گوبلز، مرد قدرتمند آلمان، بازداشت شد.

۱۹۴۴

به جرم «اظهارات بدبینانه» به ۹ ماه زندان محکوم و به زندان موآبیت در برلین فرستاده شد، اما پیش از موعد با تعلیق محکومیت «برای مقابله با دشمن» به واحدی در غرب آلمان اعزام شد. این واحد به نیروهای فرانسوی تسلیم شد و بورشرت به اسارت درآمد.

۱۹۴۵

پس از فرار از اسارت نیروهای فرانسوی، در حالی که به شدت بیمار بود، به هامبورگ بازگشت و در تئاتر دولتی هامبورگ دستیار کارگردان شد.

۱۹۴۶

انتشار دفتر شعر فانوس، شب و ستاره ها که مجموعه ی شعرهای ۱۹۴۰ تا ۱۹۴۵ اوست. چند داستان کوتاه، از جمله گل قاصد را نوشت که موضوع آنها سرنوشت انسانها در دوران جنگ و بعد از جنگ است

۱۹۴۷

ژانویه: بورشرت در شدیدترین مرحله ی بیماری، ظرف یک هفته نمایشنامه ی اکسپرسیونیستی «بیرون، پشت در» را نوشت. او در این نمایشنامه با سبکی واقع گرایانه وضعیت سربازی را تصویر می کند که از جبهه بازگشته و تنهایی و رنجی را بیان می کند که پس از پایان جنگ و زدوده شدن توهمها در انتظار نسل جنگ است. این قطعه ابتدا به عنوان نمایشنامه ی رادیویی اجرا شد و یک روز بعد از مرگ نویسنده، در سالن کوچک تئاتر هامبورگ به روی صحنه آمد. نوامبر: ولفگانگ بورشرت در بیمارستانی در شهر بازل در سوئیس، درگذشت.